

به نماینده رژیم تازیانه و دار در دربار کابل

به نماینده رژیم تازیانه و دار ایران در کابل خدمت تان عرض می‌گردد اینکه جناب شما صرف نماینده رژیم آخندی ایران در کابل هستید، نه کم و نه بیش. از سر لطف پا از گلیم تان فراتر نگذارید که عواقب ناگواری در قبال دارد. اگر فرصتی برای تان دست داد و اگر اندک سوادى در چانه داشته باشید، به تاریخ افغانستان مراجعه نموده رفع مشکل نمایند. مردم افغانستان مثل مشهوری دارند:

" ابله ای باشد که خود را گم کند کد خدای خانه مردم کند "

جناب شما تنها نماینده رژیم تان در کابل هستید و مهمان مردم افغانستان. افغانها در مهمان نوازی خود شهرت جهانی دارند، ولی اگر مهمانی خود را کدخدای خانه مردم کند، قضیه فرق میکند. شما هم پاس مهماندار خویش نگهدارید و فکر نکنید بایک مشت پول از کیسه مردم ایران، هر ناروائی را روا خواهید ساخت. ملت باشهامت افغان در طول تاریخ پر از تشیب و فراز خود، به زورگویان و زور آوران درس های ماندگاری داده اند. گذشتگان شما نیز از آن درس های تاریخی بی بهره نمانده اند. تاریخ گواه این حقیقت عریان است. ما را سر آن نیست تا در این مختصر، ناروا هائی که رژیم تازیانه و دار شما در بیشتر از سه دهه، چه در داخل ایران و چه در کشور آبائی ما، بر مردم افغانستان روا داشته اند، برشماریم و یا به جناب شما درس روابط بین المللی و مناسبات دیپلماتیکی دهیم. همانگونه که مردم افغانستان، مهمان را عزیز خدا میدانند و از سر و جان و مال خود در راه مهمان میگذرند، نماینده رژیم ایران نیز پاس بزرگی آنرا نگهداشته و به رژیم سرکوبگر تان در تهران برساند که با دم شیر بازی کردن خطراتی دارد.

جناب آقای مالکی سفیر ایران در کابل!

شما چگونه بخود حق میدهید تا به مقامات مسوول در کابل اخطار دهید که عاملین تظاهرات در کابل و هرات را شناسائی نموده و آنچه در حق شان روا دارند که رژیم سرکوبگر آخندی در تهران، قم و مشهد و...، در حق ایرانی های آزاده روا داشتند.

واقعاً " کابل، تهران نیست ". هرچند مردم سلحشور تهران با تمام سرکوبگری های وحشیانه و ددمنشانه رژیم تحمیلی و غیر قانونی آخندی، چنان مشت محکمی به دهن اربابان قم نشین حواله کردند که در تاریخ ایران نظیر نداشت و این مشت ها هنوز هم بر سر و روی رژیم منحط و تاریخ زده آخندی حواله میشود و جمهوری اسلامی شما راه زوال می پیماید. ولی کجاست آن درک و فراست تازه به دوران رسیده که این حقیقت را بدانند؟

اگر مردم درد رسیده افغانستان در شهرهای مختلف کشور دست به راهپیمائی میزنند، حق مسلم شان است. آخندهای شما در قهر زمستان تیتتر عملی ضد انسانی علیه افغان ها را براه می اندازد و امسال در حالیکه سرما بیداد میکند، مواد سوخت و تسخین آنان را خلاف تمام معیارهای قبول شده ترانزیتی، توقیف نموده است و مردم از شدت سرما و برودت هوا بخود می پیچند و اطفال معصوم شان در این زمستان سرد میمیرند و با مرگ دست و پنجه نرم میکنند، اما رژیم بی بخار آخندی، چنان وظایف نامشروع شانرا مذبحخانه و مزورانه به انجام میرساند که نگو و نپرس.

شرم آور اینکه مالکی نماینده رژیم آخندی در کابل پا از گلیم خود فراتر گذاشته و اخطار میدهد که: **" در صورت عدم شناسایی و یا دستگیری این افراد، احتمال دارد جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترانزیت سوخت و یا در برخی مسائل تجدید نظر کند."**

چه بهتر که رژیم جمهوری اسلامی آخندی نه تنها نسبت به ترانزیت سوخت و یا برخی مسائل تجدید نظر کند، بلکه در تمام ابعاد روابط خود با افغانستان و جهان تجدید نظر نموده، بخصوص مردم افغانستان را راحت گذارد. ما را امید خیری از رژیم سرکوبگر شما نیست، شر رساندن را بس نمایند.

مردم افغانستان بسیار با حوصله و با صبر هستند، اما گفته اند: **" هر چه از حد بگذرد، رسوا شود."**، کار روائی های رژیم ایران و رفتار به شدت تنفر آور آخند های در قبال مردم افغانستان دیگر از حد گذشته است و به رسوائی کشیده و بوی گند آن مرز ها را درنور دیده است. اما دیدن این همه ظلم و ناروا، دیده بینا میخواهد، که رژیم شما ندارد.

اعمال رژییم آخندی به بهترین وجه چهره خود را به مردم افغانستان معرفی داشت و افغان های با شهامت و پرغرور بچشم سر مشاهده کردند که هموطنان شان چگونه در ایران کشتار میشوند و بر برگشته های شان چند پاسدار ذذ صفت و بی پاس، می خندند. این دیگر عمق فاجعه است.

جناب سفیر! بیاد داشته باشید که رژییم های توتالیتیر تحمیلی، سرکوبگر و دیکتاتوری های نظامی و مذهبی و غیر مذهبی، سرنوشت یکسان دارند، خواهی خواهی مفتضحانه سقوط میکنند و به گودال تاریخ سپرده میشوند. بازهم به تاریخ مراجعه کنید.

عمر رژییم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران هم به پایان خود نزدیک است و دیر یا زود در گودال رسوائی و تباهی سقوط میکند، آروز این دژخیمان با همه سببیت و وحشی گری شان، جائی برای فرار نخواهند داشت، در آروز فرخنده، مردم افغانستان هم مانند مردم آزاده ایران با شما تصفیة حساب خواهند کرد. در فرجام باید تذکر داد که تحولات تونس را دژخیمان ایران به دقت مطالعه نموده و تا دیر نشده است، درس عبرتی از آن فرا گیرید.

من از بیقدری خار سر دیوار دانستم / که ناکس کس نمیگردد بدین بالا نشستن ها.

باسلام